



۳۰ خرداد ۱۳۶۰
روز تولد جمهوری اسلامی،
آغاز هولاکاست اسلامی در ایران

صفحه ۳

سیاوش دانشپور

رئیس جمهور برزیل
"صدای انقلاب مردم را شنید!"
مردم: "مساله سر 20 سنت نیست!"

صفحه ۵

آذر ماجدی

روحانی، واقعیات و توهمات

صفحه ۶

سیاوش دانشپور



در سالروز ۳۰ خرداد ۶۰

تظاهرات سازمان آزادی زن در گوتنبری

صفحه ۴

شهلا نوری



جان باختن افشین اسانلو در زندان

سازمان آزادی زن درگذشت افشین اسانلو را
به اعضای خانواده، نزدیکان، همکاران و
همسنگران صمیمانه تسلیت میگوید. ما
جمهوری اسلامی را مسبب این جنایت میدانیم.



ستون اول،

آذر ماجدی

روحانی

برای حفظ نظام آمده است

مصاحبه روزنامه اوماتیته با آذر ماجدی *

اوماتیته: حسن روحانی، رییس جمهور جدید به
عنوان یک شخصیت میانه رو معرفی می شود. آیا
شما موافقید؟

آذر ماجدی: در چارچوب رژیم اسلامی، معانی
مفاهیم تغییر کرده است. "اصلاح طلب" یا "میانه
رو" همان معنی را ندارد که در فرهنگ مفاهیم
سیاسی بکار برده می شود. فراموش نکنید که
انتخابات در جمهوری اسلامی چیزی جز یک
مضحکه نیست؛ زیرا نامزدهای ریاست جمهوری از
فیلتر رژیم اسلامی عبور می کنند. مبالغه نیست اگر
بگوییم که ۹۹ ممیز ۹۹ درصد از مردم ایران از
نظر رژیم صلاحیت کاندید شدن را ندارند: تمام
زنان به دلیل جنسیت شان، مردانی که پیرو دین یا
مذهب دیگری به جز تشیع هستند بطور اتوماتیک
حذف شده اند. و در بین مردانی که پیرو مذهب تشیع
هستند، تنها معدود کسانی که به طور کامل طرفدار
حکومت و در میان رهبری آن بوده باشند، اجازه
کاندید شدن دارند. پس از این مرحله اولیه حذف،
کاندیدها توسط نهادی که از آخوندهای سالخورده و
نزدیک به خامنه ای تشکیل شده گزینش می شوند.
در این انتخابات، حتی کاندیداتوری رفسنجانی که
یکی از اعضای رهبری رژیم اسلامی و درعین
حال از بنیانگذاران آن است، رد شد. به همین دلیل
است که توصیف یک نامزد به عنوان "میانه رو" یا
"اصلاح طلب" تنها به یک شوخی شبیه است.

تمام این نامزدها متعهد به نظام اسلامی و قوانین آن
هستند و برای حفظ آن تلاش می کنند. خاتمی که
مدت هشت سال در پست رئیس

صفحه ۲

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!

در اینجا باید یاد هزاران نفری که جان خود را در مبارزه با این نظام و بخاطر آزادی و برابری از دست داده اند، گرامی بداریم: کمونیست ها، چپی ها و مخالفان... کسانی که از ۳۲ سال پیش زندانی، شکنجه یا اعدام شدند. تمامی کسانی که بزور ۱۳ و ۱۴ ساله بودند. صد هزار نفر طی یک دهه (دهه 60) اعدام شدند و حسن روحانی با این جنایت ها بیگانه نیست.

منبع: اومانیته، ۱۷ ژوئن
*اومانیته نشریه حزب کمونیست فرانسه است که بدنال درآمدن نام روحانی از صندوق با آذر ماجدی، که او را "رهبر حزب اتحاد کمونیسم کارگری" (انتر ماجدی در حال حاضر عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری- حکمتیست است.) و رئیس سازمان آزادی زن معرفی نموده است، در این مورد گفتگویی ترتیب داده است. این مصاحبه تلخیص صحبت های آذر ماجدی است.

** روز آنلاین و سایت پیک ایران این مصاحبه را ترجمه و منتشر نموده اند. لازم به ذکر است که این ترجمه آذر ماجدی است و بعضا با ترجمه این دو سایت متفاوت است.

لینک اومانیته

<http://www.humanite.fr/monde/iran-rohani-ete-designe-pour-preserver-le-regime-i-543943>

روحانی

برای حفظ نظام آمده است

مصاحبه روزنامه اومانیته با آذر ماجدی ...

آذر ماجدی: او نه تنها قادر به انجام هیچ تغییری نیست، بلکه خواهان انجام آن هم نیست، زیرا هرگونه تغییر واقعی به معنی نابودی رژیم است. حال آنکه روحانی بخش تفکیک ناپذیر رژیم اسلامی است و صعود خود را مدیون آن



است. از این حیث، انجام تغییر نقض غرض و بمعنای افتادن از قدرت است. روزی که مردم ایران بتوانند حکومت را سرنگون کنند، روحانی روی صندلی متهمان جنایت علیه بشریت خواهد نشست.

خاتمی که مدت هشت سال در پست رئیس جمهور قرار داشت و اولین رئیس جمهوری بود که برجسب باصطلاح "اصلاح طلب" و "میانه رو" را یدک می کشید، عملاً هیچ تغییری به لحاظ سیاسی، ایدئولوژیکی یا فرهنگی در رژیم ایجاد نکرد. در عین حال، هم او بود که دستور سرکوب وحشیانه دانشجویان تهران را صادر کرد. در زمان ریاست جمهوری او، تغییری در محدودیت حقوق مدنی، سیاسی یا فردی انجام نگرفت در بهترین حالت روحانی مثل خاتمی است.

اومانیته: مردمی که در سال ۲۰۰۹ به خیابانها آمدند، چه انتظاری از روحانی می توانند داشته باشند؟

آذر ماجدی: هیچ. مردم ایران به دنبال آزادی و رفاه اند و با تبعیض مخالف اند. جنبش های اجتماعی مهم و پرنفوذی در ایران وجود دارند که برای تغییر مبارزه می کنند. بی شک جنبش آزادی زن در ایران قویترین جنبش از نوع خود در جهان است. از زمانی که رژیم اسلامی در سال 1979 به قدرت رسید، زنان علیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز آن مبارزه کرده اند. درحقیقت، اولین تظاهرات توده ای توسط زنان علیه حجاب اسلامی و بخاطر تساوی حقوق انجام شد. رویارویی حکومت و زنان یک پدیده دائمی در جامعه است. جنبش کارگری نیز پویا و فعال است. جوانان عمیقاً مخالف یک حکومت مذهبی و محدودیت های آن علیه لائیسیتیه هستند. مردم خواهان تغییر اند و نه بزک هایی که ممکن است توسط اصلاح طلبان حکومتی ارائه شود.

اومانیته: پس حسن روحانی قادر به انجام هیچ تغییری نیست؟

آذر ماجدی: او نه تنها قادر به انجام هیچ

تلویزیون مدوسا

برنامه ای از آذر ماجدی

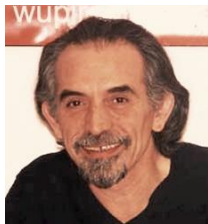
روزهای پنجشنبه از ساعت 2 تا 3 بعدازظهر

به وقت اروپای مرکزی

کانال: KMTV مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500

به دوستانتان اطلاع دهید!

مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان!



۳۰ خرداد ۱۳۶۰

روز تولد جمهوری اسلامی، آغاز هولاکاست اسلامی در ایران

سیاوش دانشور

۲۰ ژوئن برابر با ۳۰ خرداد است. ۳۲ سال پیش در اینروز در ایران کودتای خونین آغاز شد: کودتای ضد انقلاب اسلامی بر علیه انقلاب ۵۷ و نسلی که سودای آزادی در سر داشت. هدف این کودتا درهم کوبیدن انقلاب ۵۷ و نسل انقلابیونی بود که به جریان اسلامی خمینی، که توسط کنفرانس گوادولوپ به انقلاب آزادیخواهانه مردم ایران تحمیل شد، رضایت نداده بودند. انقلابیونی که به تمهیدات سیاسی و زد و بندهای مونتلفین جهانی و داخلی خمینی واقعی نگذاشتند و در ۲۲ بهمن با قیام رژیم سلطنتی را سرنگون کردند.

خیابانها ماندند. احزاب و سازمانهای سیاسی فعالیت علنی داشتند. چماقداری و ترور و سرکوب وجود داشت اما بالائی ها هنوز نمیتوانستند انقلاب را مخومه اعلام کنند. هرچند بسیار قبلتر به همت دولتها غربی و رسانه هایشان آنرا "اسلامی" کرده بودند. این اوضاع از ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ بطول انجامید. در ۳۰ خرداد رژیم اسلامی کار ناتمام رژیم شاه را تمام کرد و به خونین ترین شکل انقلاب آزادیخواهانه ۵۷ را درهم کوبید.

اهمیت تاریخی ۳۰ خرداد

۳۰ خرداد ۱۳۶۰ مهم است چون روز تولد واقعی جمهوری اسلامی است. ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ مهم است چون سرآغاز هولاکاست اسلامی در ایران است. قبل از ۳۰ خرداد نیز جنایت و سرکوب وجود داشت. در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ رژیم اسلامی به فرمان خمینی به کردستان یورش برد و وسیعترین جنایات را تنها ۵ ماه بعد از انقلاب علیه مردم زحمتکش در کردستان مرتکب شد. در اصفهان به صف کارگران بیکار شلیک کرد و در ترکمن صحرا علیه زحمتکشان جنایت کرد. در تهران و شهرهای دیگر جناب عبدالکریم سروش و شرکا به دانشگاهها هجوم آوردند تا بین دانشگاه و حوزه پیوند برقرار کنند و بند ناف این پیوند را با ریختن خون دانشجویان کمونیست ببرند. در ۳۰ خرداد کل نیروی ارتجاع تازه به قدرت پرتاب شده فشرده شد و خونین ترین برگ تاریخ سیاسی ایران ورق خورد. ۳۰ خرداد آغاز جنایاتی گسترده در این دهه بود که تا امروز ادامه دارد و قربانیان بیشماری بجا گذاشته است. خاوران ها، "لعنت آبادها"، "تف آبادها" و گورهای دستجمعی بی نام و نشان در چهار گوشه ایران محصول دهه شصت است.

اما محصل قیام بدلیل محدودیتهای آن انقلاب و از جمله فقدان یک حزب سیاسی کمونیستی کارگری قدرتمند که بتواند بعنوان سخنگوی انقلاب و حزب استقرار آزادی و برابری و رفاه عمل کند، قدرت سیاسی بدست جریان اسلامی خمینی - بازرگان افتاد. سخنگویان و رهبران جبهه ملی، نهضت آزادی، گروههای ناسیونالیست موسوم به لیبرال و امثال حزب توده و فدائی اکثریت از حامیان پر و پا قرص خمینی بودند. اگر حزب توده و فدائی اکثریت بدلیل ضد آمریکائی گری در سیمای خمینی مرتجع رهبر "ضد امپریالیست" کشف کرده بودند، بخشی دیگر از چپهای ناسیونالیست و مانویست و تروتسکیست مونتلف و حامی "جناح لیبرال" رژیم اسلامی یعنی بنی صدر و شرکا بودند.

قیام علیه رژیم شاه خواست خمینی و جریان اسلامی نبود. قرار بود قدرت سیاسی و ماشین دولتی رژیم سابق طی روندی دست بدست شود و از گزند انقلاب مصون بماند. روندی مشابه آنچه که امروز در مصر و تونس و کشورهای منطقه طی میشود. قیام مردم برنامه ضد انقلاب اسلامی-امپریالیستی را دچار اخلاص جدی کرد. هنوز دینامیزم انقلاب زنده بود. کارگران، زنان، و نسل جدید انقلابی بخشا مسلح بودند و در

۳۰ خرداد یک نقطه عطف و سرآغاز دوره ای جدید است که انقلاب ایران توسط ضد انقلاب اسلامی در خون غرق میشود. قتل عامی شبیه به قتل عامهای اندونزی و شیلی. خمینی در راس حکومت، خامنه ای، بهشتی، رفسنجانی، میر حسین موسوی، کروبی، خاتمی، روحانی، گیلانی، موسوی اردبیلی، خلخالی، لاجوردی، احمدی نژاد، سروش، گنجی، سازگارا، جلالی پور، محسن رضائی، ابوشریف، بهزاد نبوی، باهنر، مطهری، آخوندهای حاکم شرع و بسیاری دیگر از کاربدستان حکومتی از هر جناح، هولاکاست اسلامی را در ایران راه انداختند.

پایان جنگ و قتل عام زندانیان سیاسی
جنگ ایران و عراق بعد از هشت سال و قربانی شدن قریب دو میلیون نفر با نوشیدن جام زهر توسط خمینی به پایان رسید. بار دیگر خمینی دستور قتل عام داد. خمینی طی نامه ای حسینعلی نیری را در راس یک هیات مرگ برای کشتار روانه زندانها کرد. در تابستان ۱۳۶۷ بار دیگر قتل عامها شروع شد. هزاران زندانی سیاسی در مدت دو تا سه ماه در زندانهای ایران اعدام شدند. بسیاری که در سالهای ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ جان سالم بدر برده بودند در سال ۶۷ اعدام شدند.

۳۰ خرداد ۱۳۸۸

در ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ بخشی از این جنایتکاران به دستور خامنه ای به مردم یورش بردند و نداها، سهرابها، اشکان ها، ترانه ها و بسیاری دیگر را یا در خیابان با گلوله و یا در زندان زیر شکنجه و تجاوز به قتل رساندند. خرداد ۸۸ به خرداد ۶۰ متصل است و ادامه یک تاریخ است. مجریان این قتلها همان حکومت و قربانیانش همان مردم اند. نه میتوان ۳۰ خرداد را ۸۸ بجای ۳۰ خرداد ۶۰ گذاشت



گزارش کوتاهی از آکسیون 20 جون 2013

شهلا نوری

اختیار عابرین قرار گرفت.

پناهجویان شرکت کننده در تظاهرات نیز به جنبه های مختلف جنایات رژیم اسلامی اشاره کرده و خواهان به محاکمه کشیده شدن سران رژیم شدند. اکسیون با شعار مرگ بر رژیم تروریستی- اسلامی ایران به پایان رسید.

زنده باد آزادی و برابری
سازمان آزادی زن
20-06-2013



در روز پنج شنبه 20 ژوئن 2013 مصادف با 30 خرداد 92 تعدادی از فعالین سازمان آزادی زن در میدان اصلی شهر گوتنبرگ سوئد تجمع کردند تا یادآور آغاز هولوکاست اسلامی باشند و یاد جانباختگان آزادی و برابری و مبارزه علیه رژیم اسلامی را گرامی دارند. در این آکسیون اعتراضی نمایندگان حزب کمونسیت کارگری-حکمتیست و سازمان سراسری پناهندگان بیمرز، مرکز پیگرد سران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه مردم و تعدادی از پناهجویان فراری از رژیم صد هزار اعدام شرکت کرده و سخنرانی کردند. سخنرانان آکسیون کریم نوری و پروین کابلی بارها متذکر شدند که جمهوری اسلامی محصول یک جنایت بزرگ ضد بشری است که از خرداد 60 رسماً با سرکوب سیستماتیک و زندان و شکنجه و اعدام به عمر خود ادامه می دهد.



در طول آکسیون اطلاعیه های سازمان آزادی زن و مرکز پیگرد سران رژیم به جرم جنایت علیه مردم ایران در

۳۰ خرداد ۱۳۶۰

روز تولد جمهوری اسلامی،
آغاز هولاکاست اسلامی در ایران ...

و نه میتوان روز قتل نداها را بی اهمیت کرد. مسئول این جنایتها حکومت جمهوری اسلامی است. جنبش آزادیخواهانه هیچکدام از این جنایتها را نه فراموش میکند و نه بر جانپان میبخشد.

جمهوری اسلامی و مضحکه دست ساز "انقلاب اسلامی" هدف قیام و انقلاب در سال ۵۷ نبود بلکه این رژیم برای سرکوب انقلاب و توسط دولتهای غربی سر کار آورده شد. تاریخ تولد واقعی این رژیم ۳۰ خرداد است. کسانی که امروز بنام "اصلاح طلب" و "اصولگرا" تلاش دارند آن تاریخ را لاک بزنند، دستجمعی هولاکاست اسلامی را در ایران راه انداختند. این روز مهم است چون هنوز این جانپان در مسند قدرت اند. هنوز اینها عمدتاً در راس ارگانهای رژیم و جزو بدنه این حکومت اند. حتی آنها که به بیرون پرتاب شدند هنوز در باره این جنایتها سکوت میکنند.

اما روزی باید این تاریخ ورق بخورد. همانطور که جنایات فاشیسم هیتلری ورق خورد. باید روزی دادگاهی منتخب مردم تشکیل شود تا به گوشه های تاریک این نسل کشی نور بیاندازد. هدف نه انتقام و تداوم چرخه جنایت بلکه روشن شدن حقیقت تاریخی در تمامیت آنست. هدف عبور جامعه از یک دوران وحشت است.

در سالروز قتل عام آزادیخواهان و مخالفین سیاسی توسط جمهوری اسلامی بر سرنگونی نظام جمهوری اسلامی، بر نفی مجازات اعدام و حکومت اعدام تاکید کنیم. سران و کاربدستان در جنایت علیه مردم در سه دهه گذشته باید در دادگاههای علنی و عادلانه محاکمه شوند.*

**کلیه زندانیان سیاسی باید
فورا و بدون قید و شرط
آزاد شوند!**

تبعیض بر اساس جنسیت یک منشا سود سرمایه است!



برسمیت شناخته شود. "روسف در ادامه وعده هایی برای بهبود وضع آموزش و پرورش، سیستم درمان و بهداشت و ایجاد شفافیت در نهادهای دولتی داد.



اما روز بعد از این سخنرانی، تظاهرات و اعتراضات کماکان با همان گستردگی ادامه یافت. برخی شعار می دادند که "دیلم خفه شو!" طبق آمارگیری های نهادهای رسمی 75% مردم برزیل از این اعتراضات حمایت می کنند. در این تجمعات اعتراضی مجامع عمومی تشکیل شده و خواستهای مردم که دستیابی به یک سیستم رفاه عمومی با سطح بالا و مجانی و لغو قوانین مانع پیگرد سیاستمداران فاسد و ارتشا حکومتی است، طرح گشته است. اخیراً قانونی بتصویب رسیده است که دادرسی عمومی برای پیگیری ارتشا را مشکل و محدود می کند. یکی از پرونده های جنجالی که پیگرد کامل آن با موانع قوانین مجلس روبرو شده است، مساله پرداخت پول به نمایندگان مجلس برای کسب رای در سال 2005 در زمان ریاست جمهوری لولا است.

شرایط بحران سرمایه داری جهانی، افزایش فقر و فلاکت، افشای بند و بست ها، فساد و دزدی های سرمایه داران و دولت های سرمایه داری کاملاً چهره جهان را متحول
صفحه ۶

رئیس جمهور برزیل "صدای انقلاب مردم را شنید!" مردم: "مساله سر 20 سنت نیست!"

آذر ماجدی

کرد. روسف که در دهه 60 میلادی چریک ضد حکومت ژنرالها در برزیل بوده، در این سخنرانی تلویزیونی ضمن اعلام اینکه به حرف مردم گوش خواهد داد؛ افزایش قیمت ترانسپورت عمومی را ملغی خواهد کرد و با نمایندگان معترضین گفتگو می کند، گفت: "ما نمی توانیم با این خشونت که برزیل را شرمند می کند، زندگی کنیم." "مردم این حق و آزادی را دارند که همه چیز را به زیر سوال ببرند و نقد کنند، خواهان تغییر شوند و از آرمانها و پیشنهادهایشان با حرارت دفاع کنند، اما تمام اینها باید بدون خشونت و با رعایت نظم انجام گیرد!"

جالب است، پلیس از روز اول با گاز اشک آور و گلوله های پلاستیکی به تظاهرات و راهپیمایی آرام مردم حمله ور شده است، صدها نفر را مجروح و تعداد زیادی را دستگیر کرده و تاکنون حداقل یک نفر در اثر حملات پلیس جان باخته است و آنوقت خانم سابق چریک و تازه "دموکرات" شده به مردم هشدار می دهد که باید در کمال صلح و آرامش و با رعایت نظم خواستشان را طرح کنند. روسف به دماگوزی و مانیپولاسیون احساسی مردم نیز متوسل شد: "تعداد زیادی برای دست یافتن به (دموکراسی و حق بیان) مورد تعقیب و آزار قرار گرفتند، شکنجه شدند و جان باختند. صدای خیابان باید شنیده شود و



بیش از دو هفته از اعتراضات گسترده مردم در برزیل می گذرد. اعتراضات ابتدا بر سر افزایش قیمت بلیط ترانسپورت عمومی و اعتراض به هزینه سرسام آور ایجاد تسهیلات برای برگزاری مسابقات جام کنفدراسیونها در امسال و جام جهانی فوتبال



در سال آینده در چند شهر بزرگ برزیل، سائوپالو، ریودوژانیرو و برزیلیا آغاز شد. دولت برزیل یازده میلیارد یورو برای برگزاری جام جهانی فوتبال هزینه کرده است. ابتدا این اعتراضات توسط "جنبش ترانسپورت مجانی" سازمان یافت. جنبش اعتراضی سریعاً گسترش یافت و جمعیت شرکت کننده در تظاهرات و راهپیمایی ها به چند صد هزار نفر رسید و به شهرهای دیگر سرایت کرد. اعتراض به افزایش قیمت ترانسپورت محدود نماند و خواست برخورداری از خدمات اجتماعی با کیفیت بالا، ترانسپورت، آموزش و پرورش و بهداشت و درمان، مقابله با خشونت پلیسی و ارتشا حکومتی و سیاستمداران به خواستهای معترضین اضافه شد. پنجشنبه 20 ژوئن بیش از یک میلیون نفر در 100 شهر برزیل دست به تظاهرات و راهپیمایی زدند.

گسترش و تداوم جنبش اعتراضی بالاخره دیلما روسف، رئیس جمهور برزیل را وادار به سخن گفتن با مردم کرد. جمعه شب دیلما روسف در تلویزیون مفصل با مردم صحبت

برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده!

دیگری با حکومت پوپولیسیم ناسیونالیست چپ به گل نشسته اند. نه توسل به توهمات دموکراسی، نه تهدیدات قلدنر منشانه، نه توسل به تبلیغات مذهبی و نه یادآوری دوران چریکی علیه حکومت ژنرالها هیچیک تاکنون نتوانسته این دو حکومت سرمایه داری را نجات دهد.

خواست آزادی، برابری و رفاه که خواست

رئیس جمهور برزیل "صدای انقلاب مردم را شنید!" مردم: "مساله سر 20 سنت نیست!..."



ساخته است. اعتراضات کوچکی که با یک خواست در ابتدا بظاهر پیش پا افتاده آغاز می شود، سریعا کل جامعه را در برمیگیرد و علیرغم خشونت پلیسی و تهدیدهای دولت ها ساکت و خاموش نمی گردد. ترکیه و برزیل دو نمونه برجسته شرایط متحول جدید است. جالب اینجاست که این دو کشور بعنوان دو نمونه موفق رشد اقتصادی کشورهای در حال رشد زباززد تحلیل گران، ژورنالیست ها و اقتصاددانان بورژوا در سطح جهان و اپوزیسیون راست "وطنی" بودند. الگوی ترکیه و برزیل را در مقابل کمونیست های کارگری می گذاشتند و با صحبت از آن آب از لب و لوجه شان براه می افتاد. در هر دوی این جوامع یک جنبش اعتراضی وسیع و توده ای با خواست آزادی، برابری و رفاه و علیه ارتشا حکومتی و خشونت پلیسی شکل گرفته است و علیرغم تهدیدها و تبلیغات دماغوزیک چه از نوع اسلامی و چه ناسیونالیسم باصطلاح چپ با "نه"

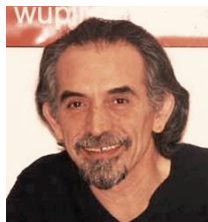
تمام مردم کارگر و زحمتکش و محروم جهان است فقط و فقط با سرنگونی سرمایه داری و استقرار یک جمهوری سوسیالیستی قابل تحقق و تداوم است.*

محکم و استوار مردم جواب گرفته است.

دو نظام سرمایه داری که بر دوش کار ارزان و کارگر خاموش به دو الگوی موفق رشد سرمایه داری بدل شده اند، یکی با حکومت ناسیونال اسلامی و



تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!



سیاوش دانشپور

روحانی، واقعیات و توهمات

با از صندوق درآوردن حسن روحانی در مضحکه انتخابات رژیم اسلامی سوال "فلسفی عمیقی" برای بخش مهمی از نیروهای اپوزیسیون بورژوازی ایران طرح شده است. جریانات ملی - اسلامی، جمهوریخواه، ناسیونالیست و تکنوکرات، بخشا سلطنت طلبان و ناسیونالیست‌هایی که قطب‌نمای سیاسی شان را سیاست خارجی و اظهارات دیپلماتیک کاخ سفید تعیین میکند، قوم پرستانی که تنها امیدشان برای رسیدن به سهمی از قدرت تشدید تحریم‌های اقتصادی و حمله نظامی است، جملگی گیج شده اند. بعضا اظهار پشیمانی و استغفار میکنند، بخشا موضع انتقادی نسبت به موضع "تحریم" انتخابات گرفتند، بخشا احساس میکنند که در این نمایش از "مردم جدا شده اند!"

واقعیات کدامند؟

هیچ اتفاق غیر مترقبه ای در این دور نمایش مضحک انتخاباتی رخ نداده است. تا به روال عمومی و کرونولوژیک کسب مشروعیت فرمال رژیم اسلامی مربوط است، برگزاری این نمایش مسخره اسلامی جای تردید و سوالی نباید باشد. تا به روال تعیین افرادی از میان چهره های حساب پس داده و ضد جامعه شایسته پست ریاست جمهوری نظام اسلامی مربوط است، باز هم روال سابق و چه بسا بدتر و محدودتر طی شده است. تا به سیاستها و وعده های پوچ کاندیدها مربوط است، اینبار حتی ادعای "مدینه النبی" خاتمی و اصلاح طلبی حکومتی هم محلی از اعراب نداشته است. تا به میزان شرکت کنندگان در این مضحکه مربوط است، حتی اگر ساده لوحانه حب آمارهای حکومتی را قورت داده باشند، اینبار تعداد بسیار بیشتری در این نمایش شرکت نکرده اند.

یک واقعیت مسلم و غیر قابل انکار اینست که در این نمایش مضحک، مخالفین سیاسی بجای خود محفوظ، حتی طرفداران حکومت و کسانی که دست شان بخون مردم آلوده

است حق کاندیداتوری در این "انتخابات" را نداشته اند. با اینحال بلوک کسانی که در این نمایش شرکت نکرده اند رای بسیار قوی تری از همه کاندیدهای حکومتی دارند. و این تنها یک طرف مسئله است. کسانی که حاضر نشدند به کاندیدهای مورد نظر حکومت "رای" بدهند، به تنهایی حکم ابطال و عدم مشروعیت سیاسی این مضحکه و به طریق اولی کل حکومت اسلامی را اعلام میکنند. این ارزیابی البته با فرض نادرست ترکیب آرای اعلام شده است. وگرنه چه کسی نمیداند که هیچ ناظر و ارگان قابل اعتبار مستقل در این "انتخابات" وجود نداشته است. چه کسی نمیداند که جمهوری اسلامی برای پاسخ دادن به دنیای بیرون و اعلام اینکه "مردم طرفدار نظام اند" آرا را دستکاری و چند برابر کرده است. چه کسی نمیداند خامنه ای و سران نظام برای خلق "حماسه سیاسی" مورد ادعایشان روی میزان اعلام رای توافق می کنند.

و بالاخره مردمی که به روحانی "رای" داده اند، گرایشات مختلف و محاسبات مختلفی دارند. برای بخش کوچکی امثال روحانی و رفسنجانی و خاتمی و موسوی نماینده واقعی سیاسی آنهاست. این لایه ای است که منافع با منافع جناحی از رژیم اسلامی منطبق است. بخش بسیار وسیعتری بر اساس محاسبات پراگماتیستی و فشارها و گروکشی های رژیم اسلامی و مهمتر در فقدان یک آلترناتیو انقلابی حی و حاضر ناچار شده اند در این مضحکه شرکت کنند. واقعیت اینست که این بخش که اساسا مخالف نظام اسلامی اند نه از امثال روحانی و نه از جمهوری اسلامی دل خوشی ندارند. اگر حرف دل این مردم را بشنوید خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی اند اما در شرایطی که راه حل بلافصل دیگری

برویشان باز نیست، تن به شرکت در این بازی مسخره اسلامی داده اند. تردیدی نیست این بخش از مردم در این شرایط دنبال روزنه ای برای نفس کشیدن هستند و بدلیل نگرانی شان از ناامنی سیاسی و اقتصادی و مخاطرات روزافزونی که تهدیدشان میکند به این اقدام دست زده اند. تردیدی نیست این بخش از "رای دهندگان" بدرست آمالهای خود را در روحانی و امثال وی جستجو نمیکنند. تردیدی نیست همین محاسبات پراگماتیستی نتیجه ای نداشته و ندارد و هیچ آدم عاقلی فکر نمیکند از این امام زاده "اعتدال" کاری ساخته است. واقعیت مهمتر اینست که اینبار نیز مثل موارد گذشته و بسیار سریعتر تمایلات و خواسته های واقعی مردم فی الحال با سد تجحر و اختناق اسلامی روبرو شده است. بار دیگر اثبات میشود که هر درجه گشایش سیاسی و اقتصادی، هر درجه باز شدن فضای فرهنگی و کاهش اختناق سیاسی، نه از دریچه مضحکه انتخابات و دست بدست شدن قدرت دولتی مابین باندهای اسلامی، بلکه از طریق عمل اعتراضی و مستقیم و مبارزه آزادیخواهانه از پائین کسب میشود.

توهمات کدامند؟

اگر بخشی از اپوزیسیون طرفدار رژیم بدنبال حذف رفسنجانی اینبار به اشتباه به موضع تحریم و عدم شرکت در مضحکه انتخابات خزید و حتی بخشا از ادبیات اپوزیسیون سرنگونی طلب استفاده کرد، پس از انتخاب روحانی معلق سیاسی زدند. با اظهار ندامت سیاسی و پشیمانی و وصله پینه مواضع قبیلشان، همه و هر کدام بنوعی، مجددا پشت روحانی و از این طریق پشت جمهوری اسلامی و خامنه ای بخط شدند. این اپوزیسیون هوادار رژیم همانطور که اشاره شد اینبار اشتباهی روی موضع مخالفت رفت. این

صندوق رای در نمی آید. بار دیگر ترهات ژورنالیستی و بورژوائی امثال اکونومیست که اختیاری "روند" تعریف میکنند و "روند" میسازند، و مدعی اند در ایران "رای" بر "گلوله" پیروز شده است دود میشود و هوا خواهد رفت.

توهم پراکنی و وقت خریدن اردوی راست داخلی و بین المللی برای جمهوری اسلامی به منافع روشنی خدمت میکند و آن رام کردن این حیوان چموش است. آنها از انقلاب میترسند و ترس شان بجاست. همخوانی اپوزیسیون بی افق و فلک زده طرفدار جمهوری اسلامی با این موج نیز از سر استیصال و ناچاری است. وحشت چپ بی افق از سر تسلیم طلبی و پاسیفیسم سیاسی است. اما تاریخ جوامع را واقعیات سرسخت کشمکش جنبشهای سیاسی و طبقاتی رقم میزند. در ایران نیز در بر همین پاشنه خواهد چرخید. این زنگ تفریح "انتخاباتی" و ذوق زدگی و وحشت اپوزیسیون طرفدار رژیم هم طولی نخواهد داشت.*

روحانی، واقعیات و توهمات ...

پرووکاتور رژیم اسلامی نباشند، در بهترین حالت ورشکستگان سیاسی ای هستند که با موج موضع عوض میکنند و هم‌رنگ جماعت میشوند.

روحانی و خاتمی اما خطاب به مردم میگویند که اصلاح امور زمان میخاهد، باید انتظارات را پائین آورد، باید شرایط را درک کرد. و یا باهنر در مجلس اسلامی شاید به این دلیل که عده ای از روحانی "اپوزیسیون" خامنه ای ساخته اند، "افشا" میکند که روحانی یک‌هفته قبل از انتخابات به خامنه ای نامه نوشته و اعلام کرده که همواره مطیع نظام بوده و خواهد بود. هدف حکومتی ها پاسخ به مردم است که توقع تان بالا نرود. خبری نیست و در بر همان پاشنه خواهد چرخید. اما اپوزیسیون همیشه طرفدار رژیم اسلامی و غربی تلاش دارند تصویر مورد دلخواه خودشان را از روحانی بدست دهند و در واقع در سیمای روحانی تصویر رسانه های مورد نظر و سیاست مورد نظر خودشان را جستجو میکنند.

بسیار سریع این چراغانی مسخره نیز با سد روندهای واقعی و بنیادی جامعه ایران و تناقضات پایه ای جمهوری اسلامی برخورد میکند و مانند کف روی آب محو میشود. بار دیگر تناقضات پایه ای حکومت اسلامی جنگ و جدال درون حکومتی را تشدید خواهد کرد. بار دیگر جمهوری اسلامی با اولین بارقه های اعتراضات توده ای علیه فقر و فلاکت چهره کریه و سرکوبگرش را عیان خواهد کرد. بار دیگر "اعتدالیون" درست مانند "اصلاح طلبان حکومتی" با "زبان امنیتی" با مخالفین سیاسی حرف خواهند زد. بار دیگر و بسرعت توهمات اپوزیسیون ورشکسته طرفدار رژیم به یاس تبدیل خواهد شد. بار دیگر اثبات میشود که حق و آزادی از

این اپوزیسیون نمیتواند بدون طرفداری از جریانی در حکومت فعالیت سیاسی کند و از سیاستها و اصول روشن و قابل تفکیکی دفاع کند. اینها خودشان متوهم نیستند بلکه اینبار صرفاً "خارج" زده بودند.

توهمات اما تصویری است که مرتباً از رسانه ها پمپاژ میکنند: همه شال و کلاه کرده اند که رابطه جمهوری اسلامی و غرب بهتر شود و امیدوارند از این دریچه در صحنه سیاست ایران جریان کمتر متحجرت‌تر درون حکومت دست بالا پیدا کند. همه فکر میکنند "ایران" و "منافع ملی" قرار است بر کله شقی حزب الهی و سیاست ضد آمریکائی و قلدری هسته ای و تروریستی غلبه کند. در بعد داخلی میگویند روحانی "امید" زنان و مردم سرکوب شده است و وقت آنست جنبشهای مطالباتی خدمت ایشان عرض حال ببرند. گویا قرار است این آخوند مخلص ولی فقیه و نظام اسلامی به وضعیت اقتصادی سر و سامانی بدهد، شکافهای طبقاتی را کم کند، زنان را از زیر لگد انصار حزب الله و اوباش خیابانی نجات دهد، و وضع دستمزدهای زیر خط فقر را سر و سامانی بدهد. خودشان هم میدانند اینها مثنی هجویات سیاسی است. خودشان هم میدانند که روحانی نه چنین ادعاهائی کرده و نه اساساً میتواند و میخواهد به چنین اقداماتی دست بزند. برای این اپوزیسیون آخوند شخصیتی حماسی است و در سیمای آخوند "میانه رو" کل آرمان سیاسی و اهداف اجتماعی اش را جستجو میکند. هدف این توهم پراکنی دفاع از نظام اسلامی است.

عمر کوتاه توهمات

بر این اپوزیسیون حرجی نیست. حتی هستند کسانی که زمانی چپ بودند اما در این موج های کاذب ماشین شان چپه میشود. حتی برخی همراه با این موج کاذب مینویسند "مردم دیگر سرنگونی نمیخواهند و دنبال رفهمیست ها هستند و رژیم بر اوضاع کنترل کامل دارد". اینها البته، اگر

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سردبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هیئت تحریریه:

آذر ماجدی، مریم کوشا، سیاوش دانشور

سایتهای سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

www.womensliberation.net

به سازمان آزادی
زن بپیوندید!

زنده باد آزادی زن!